

پژوهش دینی

Pazhouhesh Dini

No. 48, Spring & Summer 2024

شماره ۴۸، بهار و تابستان ۱۴۰۳
صفحه ۶۰-۳۵ (مقاله پژوهشی)

معناکاوی رمزگان خطبهٔ ۶۴ نهج‌البلاغه (براساس الگوی رمزگان رولان بارت)

رحمان نوازنی^۱، گل افروز محبی^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۲/۲۶ – تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۴/۲۵)

چکیده

نهج‌البلاغه به عنوان یک مرجع غنی دینی و اعتقادی حاوی آموزه‌های معرفتی جهت آزادگی بشریت در طول تاریخ است. پژوهش حاضر با بررسی توصیفی تحلیلی و با مبنای قراردادن متن خطبهٔ ۶۴ نهج‌البلاغه از امام علی^{علیہ السلام} از رهگذر رویکرد رمزگان پنج‌گانه در بی‌شناسایی ساختار اولیه این اثر است تا از ورای آن، معانی ضمنی خطبه را مطابق با پیشرفت‌های جامعه انسانی بازشناسی نماید. نشانه‌شناسی ساختاری از جمله تحلیل‌هایی است که در قرن بیستم و در بی‌نشانه‌شناسی سوسوری به شکوفایی رسید. «رولان بارت»—نشانه‌شناس و منتقد ساختارگرای فرانسوی—در بی‌نوعی استعدادیابی متن، شناسایی پژوهک‌های معنایی متن را پیشنهاد کرد. وی این دیدگاه را با معرفی الگوی رمزگان پنج‌گانه (رمزگان هرمونیک یا معماهی، رمزگان پروآبرتیک یا کشی، رمزگان معنابنی یا ضمنی، رمزگان نمادین یا تقابلی و رمزگان فرهنگی یا ارجاعی) ارائه داد. رولان بارت این نظریه را بر پایه هنجارمندی ساختار نشانه‌ای متن که عامل اصلی معنا‌آفرینی است بیان کرد. دستاورد پژوهش گویای این مسئله است که این رویکرد می‌تواند ابزار مناسبی جهت رسیدن به لایه‌های معنایی متون دینی و تفسیر آن‌ها باشد. بر این اساس، رمزگان معماهی، معماهی زندگی را در سراسر متن مطرح می‌کند و رمزگان کنشی نیز با وجود فعل‌های کنشی و امری در سطح متن، استعداد فطری انسان در گراش به نیکی‌ها را شکوفا می‌سازد. رمزگان ضمنی با کارکرد بر جسته‌سازی و معنا‌سازی در بی‌تفویت بینش بشری نسبت به عمل بنیادین خلقت، ایفای نقش می‌کند و رمزگان نمادین نیز با تقابل خیر و شر، زیست مؤمنانه را جهت سعادت انسان پیشنهاد می‌دهد. رمزگان فرهنگی نیز نگرش ماورایی به زندگی را در قالب فلسفه خلقت نمایان می‌سازد.

کلید واژه‌ها: نشانه‌شناسی، رمزگان، رولان بارت، نهج‌البلاغه، خطبهٔ ۶۴، امام علی^{علیه السلام}.

۱. دکتری زبان و ادبیات عربی، استاد مدعو دانشگاه کاشان، کاشان، ایران؛ rahman.navazani13@gmail.com

۲. دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (نویسنده مسئول)؛ Golafrooz4519908401@gmail.com

۱- بیان مساله

دنیای امروز مملو از نشانه‌ها و پیام‌های مختلف است، علم نشانه‌شناسی با درک عمیق نشانه‌ها، درک عمیق‌تری نسبت به مفاهیم خفته در متن ارائه می‌دهد. رمزگان که به آن سیستم نشانه‌ای نیز می‌گویند، زیرمجموعه‌ای از نشانه‌شناسی است که به مطالعه مجموعه‌های سازمان یافته از نشانه‌ها می‌پردازد. این مجموعه‌ها از قواعد و قوانین خاصی پیروی می‌کنند که به آن‌ها اجازه می‌دهد تا معانی خاصی را به مخاطب منتقل کنند. به عبارت دیگر، رمزگان، سیستمی از نشانه‌ها است که در یک زمینه خاص، مانند زبان، فرهنگ یا فناوری، معنا دارد.

رولان بارت^۱، فیلسوف، منتقد ادبی و نشانه‌شناس بر جسته فرانسوی، نشانه‌شناسی را به عنوان علمی مستقل برای مطالعه نشانه‌ها و نظام‌های دلالت‌مند معرفی کرد. او معتقد بود که نشانه‌ها صرفاً بازتاب واقعیت نیستند، بلکه معنای آن‌ها در نظام‌های فرهنگی و اجتماعی ساخته می‌شود. بارت یکی از مهم‌ترین نظریه‌هایش را در این زمینه با عنوان «رمزگان پنج‌گانه» ارائه کرد. این نظریه، ابزاری تحلیلی برای رمزگشایی و کشف لایه‌های پنهان معنا در متون به شمار می‌رود. نظریه رمزگان پنج‌گانه رولان بارت، متن را به عنوان نظامی از نشانه‌ها در نظر می‌گیرد که در سطوح مختلف با یکدیگر مرتبط شده‌اند و معنا را به وجود می‌آورند. بارت پنج نوع رمزگان را برای تحلیل متن در نظر می‌گیرد که در پنج سطح مختلف به کمک رمزگان هرمنوتیکی یا چیستنی، رمزگان پروآیرتیک یا کنشی، رمزگان معنابنی، رمزگان نمادین و رمزگان فرهنگی واقع شده‌اند. بارت معتقد بود که این پنج رمزگان به طور همزمان در متن عمل می‌کنند و درک عمیق‌تر متن مستلزم بررسی هر یک از این رمزگان‌ها است.

خطبه ۶۴ نهج البلاغه با عنوان «المبادرة إلى صالح الأعمال»، ترجمه: «شتافتن به سوی

1. Roland Barthes.

اعمال پسندیده» از خطبه‌های آموزنده و اثرگذاری است که انسان را به تقوا و شتاب در انجام عمل صالح دعوت می‌کند. در این خطبه، توجه به مرگ به عنوان پایان فرصت‌های دنیا و آغاز موقعیتی دیگر به مخاطب گوشزد می‌شود و استفاده از فرصت‌های زندگی در جهت ارتقای اخلاق فردی و اجتماعی مورد توجه واقع می‌شود. در شرح‌های مختلف آمده که این خطبه مخاطبین خود را به معامله‌ای سودمند تحریض می‌کند که با زندگی زودگذر دنیوی، زندگی جاویدان اخروی را خریداری کند. هشدار، نسبت به امر تسویف و بی‌توجهی به آن که از جانب شیطان است از موارد مهم مورد توجه این خطبه است. یکی دیگر از موارد مورد توجه در این خطبه، توشه تقوی، اخلاص و ایمان است که انسان باید از فرصت دنیا برای زندگی اخترت بیندوزد. این خطبه سرشار از رمزگانی است که به عنوان پلی در رسیدن پیام گوینده به مخاطب ایفای نقش می‌کنند.

این خطبه به دلیل تنوع و غنای زبانی در حوزه نشانه‌شناسی، لایه‌های معنایی متعدد، ارجاعات تاریخی- فرهنگی، لحن احساسی و عاطفی و کاربرد کنایه و تشییه از ظرفیت بالایی برای تحلیل با الگوهای رمزگان رولان بارت برخوردار است. با استفاده از این رمزگان‌ها، می‌توان به معنای ضمی و ژرف‌ساخت متن بی‌برد و پیام امام علیؑ را به طور عمیق‌تر درک کرد. براساس آن‌چه که از حضور نظام رمزگانی در این اثر گفته شد، پژوهش حاضر می‌کوشد، الگوی رمزگانی رولان بارت را در خوانش زیبایی‌شناسانه خطبه نهج البلاغه با روش توصیفی تحلیلی به‌کار گیرد. هدف از این پژوهش خوانش ۶۴ نهج البلاغه با روش توصیفی تحلیلی همچنین تبیین روش نظاممند وی در نشانه‌شناسی و معرفی الگوی رمزگانی رولان بارت، همچنین تبیین روش نظاممند وی در باب تحلیل رمزگانی متون به مثابه درک جمع از متن است. کاربرد الگوی رمزگان رولان بارت در خوانش نشانه‌شناسی خطبه ۶۴ نهج البلاغه با هدف کشف لایه‌های مختلف معنایی؛ از جمله معنای ضمی و پنهان خطبه و همچنین درک عمیق‌تر پیام‌های امام علیؑ در چارچوب فرهنگ و باورهای اسلامی بر ضرورت این پژوهش تأکید می‌کند. بدیهی است که فرضیه اساسی این پژوهش مبنی بر این است که الگوی رمزگان رولان بارت با

پیشکشیدن موضوع دلالتمندی بر آن است تا با واکاوی سیستم نشانهای متن، صدای های نهفته در متن را بازشناساند و از منظر ساختگرایی فراتر رفته و توانش نوشتار را کانون توجه قرار دهد. این جستار که با خوانش نشانهای و زیبایی‌شناسانه اثر همراه است در پی دستاوردهای نوین در راستای خوانش متون دینی است. نگارندگان در این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر هستند:

۱. رمزگان معماهی و کنشی در خطبهٔ ۶۴ نهج‌البلاغه چه معانی را به خواننده القا می‌نمایند؟
۲. با کاربست رمزگان ضمی و تقابلی در خطبهٔ ۶۴ نهج‌البلاغه چه مدلول‌ها، تضادها و تقابل‌هایی پیرامون آموزه‌های اخلاقی و اجتماعی دیده می‌شود؟

۲- مقدمه

در این بخش، ابتدا، پیشینه‌ای از پژوهش‌های مرتبط با موضوع و سپس مفاهیم نظری پژوهش، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱. پیشینه پژوهش

از جمله مهم‌ترین پژوهش‌هایی که با موضوع نشانه‌شناسی نهج‌البلاغه صورت گرفته‌اند موارد زیر است:

- فهیمه قربانی (۱۴۰۰) در رساله دکتری خود با عنوان «بررسی نشانه‌شناسی اجتماعی شخصیت‌ها در نهج‌البلاغه براساس نظریه‌ی پیر گیرو» به نقد نشانه‌شناسی از نهج‌البلاغه پرداخته است. مطابق با دستاوردهای این اثر، نشانه‌های هویت در نشانه‌شناسی اجتماعی، شامل: هویت دینی، سیاسی، تاریخی، اقتصادی، فرهنگی و... همراه با مؤلفه‌های لباس، نام و القاب، خوراک، شغل و مکان هستند.

- عباس اقبالی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «نشانه‌شناسی و تحلیل فرامتنی برخی از کنایات نهج‌البلاغه» به بررسی و تحلیل فرامتنی تعبیر کنایی «لَهُ أَبُوهُمْ»، «هَبَّتْهُمُ الْمُبُولُ» و

«شکل‌تک اُمُك» که در متون روایی و خطبه‌های نهج‌البلاغه پرسامند، پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که این قبیل تعبیرات، کنایاتی از نوع تعریض هستند و در اکثر موارد، معنای لفظی این عبارات که نفرین باشد مراد نیست بلکه اظهار شگفتی و البته گاهی نکوهش از مفاهیم نهفته این تعبیرات و مراد کاربر آن‌هاست.

- حسن گودرزی لمراسکی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان «تحلیل نشانه‌شناسی مفاهیم کلام امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج‌البلاغه براساس نظریه دال و مدلول از دیدگاه پرس (بررسی موردی خطبه‌های ۱۹۸-۱۸۶-۱۷۶-۱۶۰)» به بررسی نشانه‌های خطبه‌های یادشده می‌پردازند. این پژوهش، خطبه‌ها را در سطوح آوایی، واژگانی، نحوی و موسیقی درونی و بیرونی مورد کنکاش قرار داده است. حاصل نتایج این پژوهش نشان داده است که نشانه‌های موجود در این خطبه‌ها متناسب با معنا بوده و ساختارهای آوایی و ادبی آن، سبک کلام را متناسب با حال مخاطب و اهداف خاص خطبه‌ها قرارداده است.

- حمیدرضا اقدس طبنت و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «تحلیل نشانه معناشناختی خطبه شقسقیه و خطبه سیزدهم نهج‌البلاغه» به تحلیل دو خطبه نهج‌البلاغه؛ یعنی خطبه شقسقیه و خطبه سیزدهم که از متن‌های پرسامد در بافت امامی هستند با رویکرد نشانه-معناشناختی پرداخته‌اند. این پژوهش کارآیی این رویکرد را در ارتباط با تحلیل متون اسلامی می‌آزماید و لایه‌های مختلف‌شناختی، حسی‌ادرائی، عاطفی و زیباشناختی این دو خطبه را به بحث می‌گزارد.

از کاوش‌های مذکور بر می‌آید؛ هر چند که تحلیل‌های نشانه‌ای در خصوص نهج‌البلاغه صورت گرفته است؛ ولی با وجود ویژگی‌های زبانی خطبه ۶۴، تاکنون هیچ پژوهنده‌ای به خوانش نشانه‌ای نظام رمزگانی نهج‌البلاغه و به‌ویژه تحلیل رمزگانی خطبه ۶۴ نهج‌البلاغه بر اساس رویکرد رمزگان رولان بارت و بازآفرینی آن پرداخته است و این پژوهش در این عرصه، یک اثر تازه می‌باشد.

۲-۲. مفاهیم نظری پژوهش

در راستای تحلیل اثر ادبی و رسیدن به لایه معنایی متن، بایسته است ابتدا به بیان مفاهیم اصلی ساختار نظریه رمزگان پنج‌گانه رولان بارت پرداخته و آن‌گاه اثر ادبی مورد تحلیل قرار گیرد.

۲-۲-۱. رمزگان

اهمیتی که رولان بارت برای برداشت مخاطب از متن قائل می‌شود، مخاطب را از عنصری منفعل و صرفاً دریافت‌کننده حاج می‌کند و تولید معنای جدید را از خوانش هر خواننده حائز اهمیت می‌شناسد. استدلال رولان بارت این است که متن، پیکره‌ای آمیخته با رمزهای گوناگون است که هر یک چون صدایی از متن برمی‌آید و در برخی متن‌ها یک یا دو صدا غالب است. «رمزگان، نظامی از قوانین است که روابط بین دال و مدلول را در یک فرهنگ خاص تعیین می‌کند» (بارت، ۱۹۵۷a، ۵۷). این رمزگان، مجموعه قواعدی هستند که براساس آن، عناصری انتخاب می‌شوند که با دیگر عناصر ترکیب شده و عناصر جدیدی را می‌سازند (میرعمادی، ۷۳). در راستای بازشناسی این رمزگان، بارت معتقد است که: «تقد، فعالیتی است که رمزگان‌های پنهان در متن را آشکار می‌کند و به خواننده یا بیننده کمک می‌کند تا درک عمیق‌تری از متن پیدا کند» (بارت، ۱۹۵۷b، ۱۰۹). رولان بارت، حضور رمزگان که نظامی هدف‌مند از نشانه‌های است را در بافت متن به پنج دسته کلی تقسیم می‌کند که بازیابی آن‌ها به‌نوعی به بازآفرینی متن می‌انجامد که نوعی حرکت از معناده‌ی به معنا‌افزایی خواند.

از میان این رمزگان، دو مورد معماهی و کشی به شیوه‌هایی مربوط می‌شوند که خود روایت از آن طریق آفریده می‌شود. سه رمزگان دیگر از مجموعه‌ی حوادث و منطق روایی این داستان فراتر می‌روند و به زنجیره‌های معنایی اشاره دارند (آل، ۱۳۶-۱۳۷). نظریه رمزگان پنج‌گانه رولان بارت در پی نوعی ساختگشایی است که در بخش بعدی پژوهش مطرح می‌شود.

۲-۲-۲. رمزگان پنج گانه رولان بارت

بازشناسی رمزهای نهفته در متن به نوعی بازتولید متن می‌انجامد که زبان گویای آن محسوب می‌شود و نیاز به حضور مؤلف را از بین می‌برد. رمزهای مختلف، راههای چندگانه برای خواندن یک متن محسوب می‌شوند. هر بار متنی خوانده می‌شود، متفاوت از خواندن قبل است و در باخوانی آن نیز معنای دیگری حاصل می‌شود (بارت، ۱۹۷۰، ۱۴۳). تحلیل ساختاری رولان بارت به دنبال آن است تا از نظامهای زیرینی که عامل معناسازی و معنازایی^۱ است، پرده بردارد (بارت، ۱۹۵۳، ۵۸). آغاز حرکتی که به آفرینش معنا توسط خواننده منتهی می‌شود و «راههای معنا را در نور دیده، روایی را مورد کاوش قرار می‌دهد که معنا از آن طریق درون متن پراکنده می‌شود» (آلن، ۱۳۹). در این بخش رموز پنج گانه رویکرد رولان بارت (مدل ۱) معرفی می‌شوند.



۱. مدل رمزگان پنج گانه رولان بارت

۲-۲-۱. رمزگان هرمنوتیک یا معماهی

رمزگان هرمنوتیکی، همان معماهای متن است که با نوعی پنهانکاری جزئیات، تأثیر مکافه را افزایش می‌دهد. این نوع رمزگان را رمزگان چیستانی نیز می‌خوانند که می‌تواند گویای نام شخص، موقعیت مکانی و یا زمانی باشد. هر عنصری در متن توضیح داده نشده باشد به عنوان یک معما برای خواننده وجود دارد که نیاز به توضیح دارد و رمز هرمنوتیک به حساب می‌آید. هر متن می‌تواند یک معماهی اصلی و تعدادی معماهی فرعی داشته باشد.

1. Significance

«پرداختن به سؤال اصلی داستان و حرکت به سمت پاسخ دادن به این سؤال در لابه لای تعابیر و واژگان و... امری است که در رمزگان معنایی بدان پرداخته می شود» (بارت، ۱۹۷۰، ۱۷). هدف این نوع از رمزگان آن است که گویای پاسخی برای چرایی، چگونگی و چه چیزی و... در چیدمان واژگان متن باشد تا با ایجاد فرصت تأمل در ذهن مخاطب و مشارکت وی در تأویل، نوعی خوانش فعال را ایجاد کند.

۲-۲-۲. رمزگان پروآیرتیک یا کنشی

رمزگان پروآیرتیک، گویای کنشها و اثرات آنها می باشند که ضمن بررسی واحدهای ساختاری متن «عامل ایجاد کنش در آن هستند» (۱۷). این رمزگان که به مقوله کنش و اثر آن در بافت متنی می پردازد، رمزگان کنشی نیز خوانده می شود که نقش نوعی راوی گری را در متن ایفا می کند. «رمزگان کنشی... وظیفه اش سازماندهی رویدادها در توالی زمانی است به طوری که خواننده بتواند داستان را دنبال کند و معنای آن را درک کند» (بارت، ۱۹۷۴، ۵۴). چینش صحنه های روایی این رمزگان در طول ساختار متن، مانند یک فیلم با صحنه های گوناگون است که مخاطب در ذهن خویش به آن می رسد.

۲-۲-۳. رمزگان معناینی

رمزگان معناینی، از لایه های رویین عبور کرده و نظر به لایه های زیرین دارد که دلالت ضمنی نیز خوانده می شود. «معنای ضمنی، معنای دوم است که به طور طبیعی از معنای اول، معنای لغوی، ناشی می شود» (بارت، ۱۹۵۷a، ۱۴). این رمزگان دربرگیرنده معناهای ضمنی با دلالتهای خاص است که گاه از واژگان، تعابیر و جملات برداشت می شود. این دالها که در راستای عمق بخشی بافت، به صورت غیر صریح بر مقصود نویسنده دلالت دارند. «رمزگان ضمنی، ابزاری برای لذت بردن از متن است. خواننده یا بیننده با رمزگشایی از لایه های معنایی ضمنی متن به لذتی عمیق و پایدار دست پیدا می کند» (بارت، ۱۹۷۳،

(۱۴). رمزگان معنابنی، خصوصیات کنش‌ها یا رمزگان را بیان می‌کند و گویای نوعی بینامتنیت است که نظام معنابنی را بازسازی می‌کند.

۴-۲-۲-۴. رمزگان نمادین

تضاد در همه‌ی عرصه‌ها با رویکرد دوگانگی به نوعی تبیین می‌اجامد. این تقابل و تضادها در متن همان رمزگان نمادین هستند. «رمزگان نمادین سیستمی از تقابلات دوتایی است که امکان فصلبندی دلالت‌های رمزگان دلالتی را فراهم می‌کند» (بارت، ۱۹۷۴، ۵۶). کاربست بالا و پایین یا کم و زیاد در متن توسط نویسنده، کاربست رمزگان نمادین است که با ایجاد نوعی بزرگ‌نمایی گویای زوایایی از ذهن اوست که به تقابل معنایی کوچک در برابر بزرگ، سفید در برابر سیاه، مفرد در برابر جمع و... می‌پردازد. در این نوع رمزگان «ما به دنبال نمادهایی هستیم که نویسنده به کار برده است» (بارت، ۱۹۷۰، ۱۷). این رمزگان، الگوی برجسته‌سازی در متون هستند.

۴-۲-۲-۵. رمزگان فرهنگی

هر پدیده که به علم یا مجموعه‌ای از دانش برگردد رمزگان فرهنگی است. رمزگان فرهنگی «به بازگشایی دلالت‌های فرهنگی می‌پردازد که بیان‌گر نوعی شناخت کلی از فضای فرهنگی و ایدئولوژیکی داستان (متن) است» (۱۸). رمزگان فرهنگی را رمزگان ارجاعی نیز می‌شناسند؛ چون نشانه‌های متنی را به فضای بیرون متن ارجاع می‌دهند. می‌توان گفت: «این رمزگان به دنبال یافتن معنای کلی متن و انسجام درونی آن است» (بارت، ۱۹۷۴، ۵۴). نمادهای دینی و ضربالمثل‌ها از واضح‌ترین نمادهای فرهنگی بهشمار می‌روند. این نوع رمزگان، کلیت اثر را دربرمی‌گیرند؛ بنابراین چهار رمزگان دیگر به نوعی از رمزگان فرهنگی متأثر می‌شوند. رمزگان فرهنگی را در بافت فرهنگی اجتماعی باید جستجو نمود.

۲-۳. متن خطبه ۶۴ نهج البلاغه

«وَمِنْ خُطْبَةِ لَهُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فِي الْمِبَادِرَةِ إِلَى صَالِحِ الْأَعْمَالِ:

فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَبَادِرُوا آجَالَكُمْ بِأَعْمَالِكُمْ وَابْتَاعُوا مَا يَبْقَى لَكُمْ بِمَا يَزُولُ عَنْكُمْ وَتَرَحَّلُوا فَقَدْ جُدَّ بِكُمْ وَاسْتَعِدُوا لِلْمَوْتِ فَقَدْ أَظْلَمُوكُمْ وَكَوْنُوا قَوْمًا صِيحَّ بِهِمْ فَاتَّبَهُوا وَعَلِمُوا أَنَّ الدِّينَ أَيُّسَرٌ لَهُمْ بِدارِ فَاسْتَبْدَلُوا فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَخْلُقُكُمْ عَبْتَأً وَلَمْ يَتُرَكُّمْ سُدَّيْ. وَمَا بَيْنَ أَحَدِكُمْ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ أَوِ النَّارِ إِلَى الْمَوْتِ أَنْ يُنْزَلَ بِهِ وَإِنَّ غَايَةَ تَنَقُّصِهَا الْلَّخْظَةُ وَتَهْدِمُهَا السَّاعَةُ لِجَدِيرَةِ بِقَصْرِ الْمُدَّةِ وَإِنَّ غَائِبًا يَحْوُهُ الْجَيْدَانِ الْلَّيْلَ وَالنَّهَارُ لَحَرَى بِسُرْعَةِ الْأَوْبَةِ وَإِنَّ قَادِمًا يَقْدُمُ بِالْفَوْزِ أَوِ الشَّقْوَةِ لِمُسْتَحِقِّ لِأَفْضَلِ الْعُدَّةِ فَتَرَوْهُوا فِي الدِّينِ مِنَ الدِّينِ مَا تَخْرُّزُونَ بِهِ أَنْفُسُكُمْ غَدًا. فَاتَّقُوا عَبْدُ رَبِّهِ نَصَحَّ نَفْسَهُ وَقَدَّمَ تَوْبَتَهُ وَغَلَبَ شَهْوَتَهُ فَإِنَّ أَجَلَهُ مَسْتُورٌ عَنْهُ وَأَمْلَهُ خَادِعٌ لَهُ وَالشَّيْطَانُ مُوَكِّلٌ بِهِ يُزَيْنُ لَهُ الْمُعَصِيَةَ لِرِكْبَاهَا وَيُمَيِّنُهُ التَّوْبَةَ لِيُسَوْقَهَا إِذَا هَجَمَتْ مَنِيَّتُهُ عَلَيْهِ أَغْفَلَ مَا يَكُونُ عَنْهَا فَيَا لَهَا حَسْرَةً عَلَى كُلِّ ذِي غُفْلَةٍ أَنْ يَكُونَ عُمْرُهُ عَلَيْهِ حُجَّةٌ وَأَنْ تُؤَدِّيَهُ أَيَامُهُ إِلَى الشَّقْوَةِ نَسْأَلُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَنْ يَجْعَلَنَا وَإِيَّاكُمْ مِمَّنْ لَا تُنْتَرِهُ نِعْمَةٌ وَلَا تُنَصَّرُ بِهِ عَنْ طَاغِيَّةِ رَبِّهِ غَايَةٌ وَلَا تَحْلُّ بِهِ بَعْدَ الْمَوْتِ نَدَاءٌ وَلَا كَآبَةٌ» (سید رضی، خطبه ۶۴).

ترجمه: شتافتن به سوي اعمال پسندideh:

ای بندگان خدا! از خدا بپرهیزید و با اعمال نیکو به استقبال اجل بروید. با چیزهای فانی شدنی دنیا آن‌چه که جاویدان می‌ماند را خردباری کنید. از دنیا کوچ کنید که برای کوچ دادن تلاش می‌کنند. آماده مرگ باشید که بر شما سایه افکنده است. چون مردمی باشید که بر آن‌ها بانگ زدند و بیدار شدند و دانستند دنیا خانه جاویدان نیست و آن را با آخرت مبادله کردند. خدای سبحان شما را بیهوده نیافرید و به حال خود وا نگذاشت.

میان شما تا بهشت یا دوزخ، فاصله اندکی جز رسیدن مرگ نیست. زندگی کوتاهی که گذشتن لحظه‌ها از آن می‌کاهد و مرگ آن را نابود می‌کند، سزاوار است که کوتاه مدت باشد. زندگی که شب‌وروز آن را به پیش می‌راند به زودی پایان خواهد گرفت. مسافری که سعادت یا شقاوت همراه می‌برد باید بهترین توشه را با خود بردارد. از این خانه دنیا، زاد و توشه بردارید که فردای رستاخیز نگهبانان باشد.

بنده خدا، باید از پروردگار خود بپرهیزد، خود را پند دهد و توبه را پیش فرستد و بر شهوت غلبه کند؛ زیرا مرگ او پنهان و پوشیده است و آرزوها فریبنده‌اند و شیطان، همواره با اوست و گناهان را زینت و جلوه می‌دهد تا بر او تسلط یابد، انسان را در انتظار توبه نگه می‌دارد که آن را تأخیر اندازد و تا زمان فرارسیدن مرگ از آن غفلت نماید. وای بر غفلت-زدهای که عمرش بر ضد او گواهی دهد و روزگار او را به شقاوت و پستی کشاند. از خدا می‌خواهیم که ما و شما را در برابر نعمت‌ها مغفور نسازد و چیزی ما را از اطاعت پروردگار باز ندارد و پس از فرا رسیدن مرگ چهار پیشمانی و اندوه نگردد.

۳- رمزگان خطبه ۶۴ و بررسی آنها

یکی از مهم‌ترین خطبه‌های نهج‌البلاغه با رویکرد اجتماعی و اخلاقی، خطبه ۶۴ است که امام علی^{علیه السلام} این خطبه را در سال ۳۸ هجری پس از پایان جنگ صفين در مسجد کوفه ایجاد نموده‌اند. این خطبه که مشتمل بر پند و اندرزهایی؛ مانند پرهیز از دنیاپرستی و آمادگی جهت سفر ابدی آخرت است و توجه به هدف از آفرینش، برخوردار از نمادها و رمزگان متعددی است. در ادامه با بررسی این رمزگان بر اساس نظریه رمزگان پنج‌گانه رولان بارت به واکاوی و بازتولید معانی این خطبه پرداخته می‌شود تا از ورای بازگشایی رمزگان، دلالت‌های نشانه‌ای آن آشکار شود.

۱- رمزگان ضمنی خطبه

در میان پنج نوع رمزگانی که رولان بارت معرفی می‌کند، رمزگان ضمنی یا معناینی که جایگاهی ویژه دارد. تا جایی که گفته می‌شود: «هنر و ادبیات به آن دسته از پیام‌ها متعلق هستند که در آن‌ها، نقش مسلط را دلالت‌های ضمنی ایفا می‌کنند» (گیرو، ۴۷). کاربرد این رمزگان، شیوه‌ای است که مخاطبان، معناها را براساس نظامی از نمادها و نشانه‌ها استنتاج می‌کنند (سجودی، ۱۵۵). وجوده بیانی کنایه، استعاره و تشبيه در قالب رمزگان ضمنی واقع می‌شوند. برخی رمزگان ضمنی در متن خطبه عبارتند از:

خواننده در آغاز خطبه با واحد معنایی «بَادِرُوا»، ترجمه: «بشتایید» رو برو می‌شود.

«المبادرة» کارکرد کنایی دارد و به معنی شتاب کردن و پیش قدم شدن است. وقتی که شخصی می‌گوید: من این کار را انجام خواهم داد، کنایه از ادامه دادن و پافشاری بر انجام کاری است (البحرانی، ۱۶۲/۲). کنایه از رایج ترین ابزارهای بلاغی است که به صورت ویژه در متون ادبی کاربرد دارد و اغلب با هدف آثار تعلیمی آن استفاده می‌شود. این وجه بلاغی، می‌تواند لحن متن را تقویت کند و آن را تأثیرگذارتر کند و به واسطه ماهیت غیر مستقیم خود، ابهام و چندمعنایی را در متن ایجاد می‌کند. این امر خواننده را به تأمل و تفکر بیشتر در مورد معنای متن ترغیب می‌کند و به کشف معانی ضمنی و پنهان در آن می‌رسد. بار معنایی شتاب کردن که در آغاز متن آمده است نوعی شروع پرهیجان را برای خواننده به همراه دارد و اثرپذیری از این واحد معنایی را افزون می‌کند و این فرآیند، خواننده را به ادامه متن ترغیب می‌کند.

نمونه‌ای دیگر از رمزگان ضمنی که در متن خطبه قابل مشاهده است در عبارت «وَاسْعِدُوا لِلْمَوْتِ فَقَدْ أَظَلَّكُمْ» (سیدرضی، خطبه ۶۴)، ترجمه: «آمده مرگ باشید که بر شما سایه افکنده است». عبارت «فقد أَظَلَّكُمْ» به این معنا که مرگ بر شما سایه افکنده است، استعاره از نزدیکی مرگ است (البحرانی، ۱۶۳/۲). این جمله نیز به مخاطب گوشزد می‌کند که مرگ اجتناب ناپذیر است و باید برای آن آمده شود. از آنجا که سایه هر چیزی نزدیک ترین موقعیت را به او داراست؛ لذا متن به خواننده نزدیکی پدیده مرگ را القا می‌کند تا با درک این مسأله بیشتر به اهمیت زمان، بی ببرد.

در متن خطبه، یکی از واحدهای معنایی پر تکرار «زمان» است که به وجوده مختلفی پردازش شده است. واحدهای معنایی، کوچک‌ترین واحدهای معنایی در متن هستند که می‌توان آنها را جدا کرد و مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. گوینده با به کار بردن واحدهایی چون «لحظة» و «ساعة» با رویکرد استعاری، خواننده را بار دیگر به اهمیت این نعمت بالارزش و کوتاهی عمر گوشزد می‌کند. گوینده با عبارت «إِنَّ غَائِيَاً يَحْدُوُ الْجَدِيدَانِ اللَّيلُ

وَالنَّهَارُ لَحَرِيٌّ بِسُرْعَةِ الْأَوْبَةِ وَإِنَّ قَادِمًا يَقْدُمُ بِالْفَوْزِ أَوِ الشَّقْوَةِ...» (سید رضی، خطبه ۶۴)، ترجمه:

«زندگی که شب و روز آن را به پیش می‌راند به زودی پایان خواهد گرفت. مسافری که سعادت یا شقاوت همراه می‌برد...»، «زندگی» را به مسافری که شب و روز در حال حرکت به سوی آخرت است تشبیه می‌کند. گوینده با تشبیه زندگی به غایی‌یی که شب و روز به سوی او می‌شتابند و مسافری که به سوی مقصدی نامعلوم رهسپار است بر سرعت گذر زمان و ضرورت آمادگی برای آخرت تاکید می‌کند. کشف ارتباط سازه‌های معنایی تشبیه در همراه‌ساختن خواننده با متن مؤثر است. متن با تناول زندگی و سفر، گردشی محدود و کوتاه‌مدت را برای خواننده تداعی می‌کند تا او را غنیمت‌دانستن اوقات زندگی دعوت کند.

در ادامه خوانش، خواننده بار دیگر با فرآیند استعاره در عبارت «فتزوّدوا» روبرو می‌شود که زاد و توشه را برایش برجسته‌سازی می‌کند. جمله «فَتَزَوَّدُوا فِي الدُّنْيَا مِنَ الدُّنْيَا مَا تَحْرُزُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ غَدَأً» (همانجا)، ترجمه: «از این خانه دنیا زاد و توشه بردارید که فردای رستاخیز نگهبان‌تان باشد»، یک جمله تشبیه‌یی است که گوینده خطبه به‌طور مفصل بهترین نوع توشه را برای مخاطبیش شرح می‌دهد که همان زادی است که انسان با آن خود را در روز قیامت از سقوط در آتش جهنم و حرارت سوزان آن نجات می‌بخشد و با این تشبیه، تقوا و خشیت از خدا را به عنوان همان زاد معرفی می‌کند. «وجه تشبیه به کاربردن استعاره «زاد» در اینجا، شباهتی است که بین زاد محسوس و تقوا از نظر سالم نگهداشت مسافر در مسیرشان وجود دارد. زاد محسوس، انسان را از عذاب گرسنگی و تشنجی محسوس در منازل محسوس نجات می‌دهد و تقوا انسان را از عذاب گرسنگی معقول در منازل معقول و مراتب سلوک و مراحل سفر به‌سوی خداوند متعال نجات می‌دهد» (البحرانی، ج ۲، ۱۶۵).

یکی دیگر از رمزگان‌های ضمنی در جمله «فَاتَّقِ عَبْدُ رَبِّهِ» آمده است. حرف «فاء» یک واحد معنایی محسوب می‌شود که دلالت بر انگیزه‌بخشی دارد؛ زیرا «این حرف برای بیان ماهیت امری است که انسان با آن نفس خود را بر می‌انگیزد، گویی می‌گوییم: فلان شخص امروز کارهای زیبایی انجام داد و درباره فلان شخص، چنین و چنان کرد» (ابن‌ابی

الحديد، ج ۱، ۲۰۶). به کمک این واحد معنایی، فضای انگیزشی بر متن حاکم می‌شود و گوینده با این شیوه بیانی، مخاطب را با خود همراه می‌کند.

در ادامه متن، خواننده بار دیگر با مصادیقی از زبان غیرمستقیم کنایه مواجه می‌شود تا فعالانه به خوانش متن بپردازد. در عبارت «فَيَا لَهَا حَسْرَةً عَلَى گُلُّ ذِي ْغَفْلَةٍ» (سیدررضی، خطبه ۶۴)، ترجمه: «ای وای و حسرت بر هر غفلت‌زده‌ای»، «حسرت‌خوردن» کنایه از «پشیمانی» است. «إِبْن أَبِي الْحَدِيدِ الْمَعْتَزَلِي» در کتاب «تهذیب شرح نهج البلاغة» ذکر کرده است که: ««فَيَا لَهَا حَسْرَةً» می‌تواند ندای حسرت باشد و فتحه لام بر اصل ندای مدعو باشد؛ مانند این که بگویی: «یا للرجال» (ابن‌ابی‌الحدید، ۲۰۶/۱).

این پیام‌ها، پیام‌هایی اخلاقی و معنوی هستند که در طول تاریخ بشر بارها و بارها تکرار شده‌اند؛ اما استفاده از رمزگان معنابنی در این متن به این پیام‌ها عمق و غنای خاصی می‌بخشد و آن‌ها را به شکلی جذاب و تأثیرگذار به مخاطب منتقل می‌کند. استعاره و تشبيه با ایجاد تصاویر ذهنی در ذهن خواننده، مفاهیم را ملموس‌تر کرده و کنایه با استفاده از زبان غیرمستقیم به خواننده، فرصت تفکر و تأمل بیش‌تر می‌دهد.

۳-۲. رمزگان فرهنگی خطبه

رمزگان فرهنگی یکی دیگر از مفاهیم کلیدی در نظریه ادبی رولان بارت است. رمزگان فرهنگی جلوه بارز خود را در یک آواز جمعی و بی‌نام که در تجربه سنتی آدمی ریشه دارد، می‌یابد (پین، ۱۲۰). بنابر دیدگاه رولان بارت همه رمزگان‌ها از یک نظر، فرهنگی به شمار می‌روند؛ اما رولان بارت به‌طور خاص رمزهایی که در قالب مرجعیت علمی یا اخلاقی قرار می‌گیرند را فرهنگی بر می‌شمارد. درک رمزگان فرهنگی برای تفسیر متون و درک فرهنگ‌های مختلف ضروری است.

عبارت «فَاتَّقُوا اللَّهَ» یکی از رمزگان فرهنگی متن خطبه ۶۴ نهج‌البلاغه است که دوبار در متن، تکرار شده است. تقوای الاهی از جمله مفاهیم برخاسته از متون دینی است که از

نظر فرهنگی بسیار تأثیرگذار است. این عبارت به دلیل سادگی، صراحة و عمق معنای خود در طول تاریخ اسلام توسط مسلمانان در موقعیت‌های مختلف به کار رفته است. خواننده در طول خوانش متن خطبه با شناسایی یکی دیگر از رمزگان فرهنگی به فهم عمیق‌تری از متن دست می‌یابد. عبارت «وَمَا بَيْنَ أَحَدِكُمْ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ أَوِ النَّارِ إِلَّا الْمَوْتُ» (سیدرضی، خطبه ۶۴)، ترجمه: «میان شما تا بهشت یا دوزخ، فاصله اندکی جز رسیدن مرگ نیست» حاوی رمزهای ایدئولوژیکی «بهشت و جهنم» است که در بستر دینی معنا می‌یابند؛ اما «مرگ» پدیده‌ای ملموس برای همه جوامع بشری است. رمزگانی مانند دنیا و مرگ برای فطرت همه بشریت قابل درک است «برخی نمادها جهانی‌اند، مثل دریا یا خورشید و...» (ریسمان و همکاران، ۱۲۷). مرگ، نماد اتمام فرصت زندگی در دنیاست. معنای نماد هم معنای حقیقی است و هم مجازی و از متن به بیرون و به سوی بسترها فرهنگی و هنری، دست می‌یازد (همان، ۱۲۶). لذا مخاطب این رمزگان می‌تواند همه انسان‌ها باشد.

«توبه» در عبارت «قَدَّمَ تَوْبَةً» یکی دیگر از رمزهای فرهنگی به کاررفته در متن خطبه است که به عنوان نمونه‌ای از عمل یک بندۀ پرهیزگار ذکر شده است. این بندۀ که تقوا پیشه‌کرده و در برابر پروردگار خود پرهیزگار است در انجام اعمال نیکو شتاب می‌ورزد و از غفلت از آخرت پرهیز می‌کند. یکی از اعمال نیکوی این بندۀ توبه از گناهان خود است. او توبه خود را پیش می‌اندازد و در آن تعلل نمی‌کند؛ زیرا می‌داند که خداوند توبه‌کنندگان را می‌بخشد و به سوی آن‌ها باز می‌گردد. این رمزگان فرهنگی، مخاطب را به سعادت ابدی رهنمون می‌سازد.

در واقع، این خطبه بر ارزش‌هایی مانند تقوا، پرهیزگاری، انجام اعمال نیکو و آمادگی برای مرگ و آخرت تأکید می‌کند و بر باورهایی مانند وجود آخرت، حساب و کتاب اعمال و پاداش و جزای الهی استوار است. خواننده با خوانش این رمزگان در می‌یابد که هنجرهایی مانند شتاب در انجام اعمال نیکو، پرهیز از غفلت و تفکر در مرگ و آخرت را

مورد توجه قرار دهد. تأکید بر آخرت‌گرایی و پرهیز از دنیاگرایی از جمله هنجارهای بارز در این خطبه هستند.

۳-۳. رمزگان نمادین خطبه

تضادها و تقابل‌ها بین دو یا چند عنصر در متن می‌توانند رمزگان نمادین یا تقابلی آن باشند. رمزگان تقابلی بر واحدهای بزرگ‌تر معنایی در متن تمرکز دارد و به دنبال کشف روابط بین این واحدها و چگونگی ایجاد معنا از طریق این روابط است. «این رمزگان به بررسی تضادها و تقابل‌های دوتایی در متن می‌پردازد و به این سوال پاسخ می‌دهد که متن چه چیزی را نمادپردازی می‌کند؟» (بارت، ۴۴). رمزگان نمادین به مخاطب کمک می‌کند تا تناقضات، تضادها و تضادهای موجود در متن را کشف کند.

یکی از رمزگان نمادین در این متن، تقابل دنیا و آخرت است. هر کدام از این رمزگان، نظام ارزشی، باورها و رفتارهای خاص خود را به انسان ارائه می‌دهند و او به سوی مقصدی متفاوت رهنمون می‌شوند. در این متن، دنیا به عنوان مکانی فانی و زودگذر توصیف می‌شود که انسان در آن غرق در شهوات و لذات زودگذر است. دنیا فرصتی برای انسان است تا با انتخاب‌های خود، مسیر آخرت خود را رقم بزند. در مقابل، آخرت به عنوان مکانی ابدی و پایدار توصیف می‌شود که سرنوشت نهایی انسان در آنجا رقم خواهد خورد. امام علی^{علیه السلام} می‌فرماید: «ارفض الدنيا فان حب الدنيا يعمى ويصم ويُبكم ويُذل الرقاب» (کلینی، ۱۳۶/۲)، ترجمه: «دنیاپرستی را ترک کن؛ چرا که دنیاپرستی چشم را کور و گوش را کر و زبان را لال می‌کند و گردن‌ها را به ذلت می‌کشاند». در این متن با تبعیت از رمزگان آخرت، می‌توان از ظواهر فریبنده دنیا عبور کرد و به سعادت ابدی در آخرت دست یافت.

قابل زندگی و مرگ، رمزگان نمادین دیگر متن خطبه می‌باشد. زندگی در این متن به عنوان فرصتی کوتاه و ارزشمند برای عبادت خدا و انجام اعمال نیکو تلقی می‌شود و مرگ در مقابل به عنوان پایانی ناگزیر برای همه انسان‌ها و لحظه‌ای تعیین‌کننده برای

سنوشت ابدی آن‌ها توصیف می‌شود. انسان از دیرباز در جستجوی معنا و مفهوم زندگی و مرگ بوده است. این دو رمزگان اساسی، تار و پود هستی را تشکیل می‌دهند و در تقابل با یکدیگر، رازهای عمیقی از هستی را آشکار می‌کنند. با وجود تضاد، زندگی و مرگ به طور عمیقی به یکدیگر وابسته هستند. مرگ، معنا و ارزش زندگی را آشکار می‌کند و زندگی، فرصتی برای آماده‌شدن برای مرگ فراهم می‌کند.

یکی دیگر از رمزگان‌های تقابلی مشهود در متن خطبه، تضاد غفلت و آگاهی است.

متن خطبه، غفلت را غرق‌شدن در دنیا و فراموش‌کردن آخرت و یکی از گناهان کبیره معرفی می‌کند و آگاهی یعنی بیداری از غفلت و توجه به آخرت، اولین قدم برای نجات انسان از عذاب الهی دانسته شده است. غفلت، حالتی است که در آن فرد از حقیقت و واقعیت غافل است و در تاریکی جهل و ناآگاهی به سر می‌برد. این حالت می‌تواند ناشی از عوامل متعددی مانند وابستگی به نفس، غرق‌شدن در دنیا و عدم توجه به معنای عمیق زندگی باشد و آگاهی در تضاد با آن، حالتی است که فرد به حقیقت و واقعیت اشراف دارد و از ماهیت خود و جهان پیرامونش آگاه است. درک عمیق تقابل رمزگان غفلت و آگاهی می‌تواند به انسان در مسیر خودشناسی و کمال یاری رساند. با رهایی از غفلت و رسیدن به آگاهی، انسان می‌تواند به حقیقت وجود خود و جهان پیرامونش پی برد و زندگی معنادارتر و سعادتمدانه‌ای را تجربه کند.

متن در ادامه، تقابل ایمان و کفر را با کمک رمزگان نمادین، پیش روی مخاطب قرار می‌دهد. ایمان در اندیشه دینی از مفاهیم بنیادی است و یکی از بالاترین ارزش‌ها به حساب می‌آید. در متن خطبه، ایمان به خدا و اطاعت از اوامر او، به عنوان کلید رستگاری و سعادت ابدی معرفی شده است. هم‌چنین کفر به خدا و عصيان در برابر اوامر او، منجر به عذاب ابدی در جهنم خواهد شد. در این تقابل، دو نظام معنایی و رمزگان مجرزاً شکل می‌گیرد که هر کدام بر جهان‌بینی، ارزش‌ها و رفتارهای پیروان خود اثر می‌گذارند. رمزگان ایمان بر پایه توحید، باور به غیب، اطاعت از خداوند و پیامبران و امید به رستگاری استوار

است. در مقابل، رمزگان کفر بر پایه انکار حقایق الهی، اصالت ماده، خودخواهی و لذت‌گرایی بنا شده است. این دو عنصر در سطوح مختلف بشری تأثیرگذارند. در سطح فردی، ایمان و کفر بر اندیشه‌ها، احساسات و رفتارهای افراد اثر می‌گذارند و در سطح اجتماعی، ایمان و کفر می‌توانند منجر به تشکیل جوامع متفاوتی شوند. این تضادها به خواننده کمک می‌کنند تا به طور واضح و ملموس، تفاوت بین خیر و شر، دنیا و آخرت، زندگی و مرگ، غفلت و آگاهی، ایمان و کفر را درک کند.

۴-۴. رمزگان هرمنوتیکی خطبه

رمزگان هرمنوتیکی به واحدهای معنایی در متن اشاره دارد که پرسش‌ها، پاسخ‌ها، معماها و تعلیق‌ها را ایجاد می‌کنند. «این رمزگان به بررسی معماها، تناقضات و ابهامات متن می‌پردازد» (بارت، ۱۳۵۶، ۴۳). این رمزگان، خواننده را به تأویل و تفسیر متن تشویق می‌کند.

گوینده خطبه در آغاز کلام به مخاطبین امر می‌کند که با اختیار خویش و با شوق و رغبت به استقبال مرگ بروند. استفاده از اسلوب امر در عبارت «بَادِرُوا آجَالَكُمْ» (سیدرضی، خطبه ۶۴) ترجمه: «به استقبال مرگ بروید» از نوعی قطعیت و اطمینان از سوی گوینده و نوعی الترام از سوی مخاطب خبر می‌دهد و حس فوریت و ضرورت را القا می‌کند. « فعل امر از نظر معنایی با فعل‌های الترامی و دعایی همپوشانی دارد، اما از نظر لحنی، قاطع‌تر و حتمی‌تر است» (صباحی، ۱۸۵). این رویکرد زبانی موجب تمرکز مخاطب بر مفهوم قطعیت متن می‌شود و این معما را در ذهن او متبار می‌کند که این مرگ چیست و چگونه باید مشتاقانه به استقبالش رفت؟ از سوی دیگر وقتی گوینده موضوعی کلی با عنوان «مرگ» را بدون پرداختن به مفهوم تفصیلی آن برای مخاطب بیان می‌کند در واقع ذهنیت خواننده را در بی‌یافتن مفاهیم و چیستی‌های مسأله «مرگ» منسجم می‌سازد. از این رو تحلیل عبارت «بَادِرُوا آجَالَكُمْ» با استفاده از مؤلفه‌های رمزگان هرمنوتیکی بارت، نشان می‌دهد که این جمله دارای معانی و لایه‌های مختلفی است. به عنوان مثال با توجه به

معنای واژه «آجال» که دارای مفهوم زمان و مدت هر پدیده است (لسان العرب، ج ۱۱، ۱۱)، مسئله مرگ و زمان در ذهن مخاطب کنش‌هایی شناختی ایجاد می‌کند. توجه به معنای فعل امر «بادِرُوا» نیز که دارای مفهوم بادِرُوا: سبقت بگیرید از ریشه «بدر» به معنای شتافتمن (راغب اصفهانی، ۳۸/۱) است، ذهنیت خواننده را در رابطه با معنای استیاق و مرگ، درگیر مسائل شناختی مرتبط با آن می‌کند. به طور کلی دلالت این رمز زمینه‌ای برای دریافت ایدئولوژی‌های شناختی توسط خواننده می‌شود، گرچه معنای نهایی این جمله به خواننده و زمینه‌های دریافتی او بستگی دارد.

در این خطبه، رمزگان هرمنوتیکی با شگرد کانونی‌سازی تلفیق یافته است و پرسش‌گری را در ذهن مخاطب فعال‌تر نموده است تا موجب انقلاب فکری مخاطب شود؛ گوینده در این عبارت به کسانی که سرگرم مظاهر دنیوی هستند و از آخرت غفلت دارند می‌گوید: «فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَخْلُقْكُمْ عَبَّاتَا وَلَمْ يَتُرْكُكُمْ سُدَّى» (سیدرضی، خطبه ۶۴). ترجمه: «خدای سبحان شما را بیهوده نیافرید و به حال خود وانگذشت». گوینده، مخاطب را به فلسفه خلقت متوجه می‌سازد و با به کارگیری واژه «عبتا» به او گوشزد می‌کند که هدف از خلقت او بیهوده نیست. «عبث به مفهوم پوچی است مانند کسی که او را با اسباب‌بازی سرگرم می‌کند (راغب، ۵۴۳). وقتی مخاطب در مقابل انساء این مفهوم عمیق قرار می‌گیرد، معنایی در ذهن او تشکیل می‌شود که اگر هدف از خلقت بیهودگی نیست، پس چه اهدافی برای خلقت، وجود دارد؟

در عبارت یادشده، کلمه «الله» نیز با عوامل متعددی از جمله: «جمله اسمیه، إنّ از حروف تأکید، ال تعريف، صفت سبحان، هاء ضمیر» (ابن هشام، ج ۱، ۳۲۴) مورد تأکید واقع شده است. می‌توان گفت: اثرگذاری از آثار مهم ادوات تأکید است و علاوه بر حالت تاثیرپذیری، این حالت، نوعی تعلیق و کنجکاوی را نیز در مخاطب به وجود می‌آورد. امام علیؑ در آغاز عبارت با آوردن صفت «سبحان» برای خداوند و پس از آن ذکر واژه «عبتا»، گویا چنین می‌گوید که: منزه است خدا که شما را عبث خلق کرده باشد. در واقع

این ترتیب کلام، تاکید بر روی منزه‌بودن خدا از کار بیهوده است. این عبارت خطبه در بینامنیت با دو آیه از کتاب مقدس قرآن کریم؛ یعنی: «أَيْحَسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًّا» (القيامة، ۳۶)، ترجمه: «آیا انسان می‌پندارد که او را مهمل رها کرده‌اند؟» (تفسیر المیزان، ۱۷۲) و «أَفَخَسِبُتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبْرًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَأَتُرْجَعُونَ» (المؤمنون، ۱۱۵)، ترجمه: «آیا جنین پنداشتید که ما شما را به عیث و بازیجه آفریده‌ایم و هرگز به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟!» از متن فراتر رفته و رمزهای ذهن مخاطب را فعال می‌کند. ذهن مخاطب خطبه که با آیات قران آشناست با این بینامنیت، نوعی اصالت و استحکام فضای متن را درمی‌یابد که گوینده از آن جهت بالا بردن سطح فاکتور تأثیر بر مخاطب، بهره برده است. گوینده در آغاز خطبه با پیش‌کشیدن موضوع مرگ، شالوده ذهنی مخاطب را به انتهای فرصت زندگی معطوف می‌کند و در پی آن با سخن‌گفتن از زندگی و عبارت‌هایی منسجم و هدف‌مند بینش مخاطب را با فلسفه زندگانی درگیر سازد تا با نوعی تحول آفرینی او را به تعالیٰ فکری برساند.

رمزگان هرمنوتیکی به متن عمق و لایه‌های معنایی مختلف می‌بخشد و آن را از یک متن ساده به یک متن قابل تفسیر تبدیل می‌کند. در ادامه، متن، مخاطب را با نشانه «تقوا» در عبارت «فَاتَّقُ عَبْدُ رَبِّهِ نَصَحَ نَفْسَهُ وَقَدَّمَ تَوْبَةَ وَغَلَبَ شَهْوَتَهُ» (سیدررضی، خطبه ۶۴)، ترجمه: (بنده خدا باید از پروردگار خود بپرهیزد، خود را پند دهد و توبه را پیش فرستد و بر شهوات غلبه کند) مواجه می‌کند. یک از معانی گوناگونی که درباره تقوا وجود دارد، «صیانت» است. «حفظ کردن هر چیزی از تخلف و سریچی در صورت و جایگاه عمل» (مصطفوی، ۱۸۳/۱۳). صیانت و درونی‌سازی مکارم اخلاقی به‌گونه‌ای که ملکه انسان شود از حلقه‌های مفقوده روابط در جوامع انسانی است که در این خطبه مورد تأکید امام علیه السلام واقع شده است. رویکردهای معنایی این واژه به همراه واژگان همنشین آن، این معما را به ذهن مخاطب متبار می‌کند که نقش تقدیم تقوا، بر توبه و غلبه بر شهوات در رستگاری چیست؟ متن با توصیف بندهایی که تقوا پیشه می‌کند، توبه می‌کند و بر شهوات خود غلبه می‌کند به مخاطب یادآوری

می‌کند که کلید رستگاری در تقوا است. در پاسخ به این معما و در ادامه، متن به پاسخ این پرسش مفروض به گونه‌ای دیگر می‌بردازد: «فَإِنَّ أَجْلَهُ مَسْتُورٌ عَنْهُ» (سیدررضی، خطبه ۶۴)، ترجمه: (زیرا مرگ او پنهان و پوشیده است) و هشدار نزدیکی مرگ به عنوان اتمام فرصت‌ها را می‌دهد. جمله با فعل «غَلَبَ» به پایان می‌رسد. این فعل حس تعليق را در خواننده ایجاد می‌کند؛ زیرا مشخص نیست که بندۀ چگونه باید بر شهوات خود غلبه کند؟! در رمزگان هرمنوئیکی خواننده در می‌یابد که برای رسیدن به تقوا باید مراحلی را طی کند؛ اما جزئیات این مراحل به طور کامل آشکار نمی‌شود. این امر، خواننده را به تأمل و تدبیر در متن ترغیب می‌کند و او را به مشارکت در فرآیند تفسیر متن تشویق می‌کند.

۳-۵. رمزگان کنشی خطبه

رمزگان کنشی یا پروآیرتیکی، نوعی راوی‌گری در متن ایجاد می‌کند و چیش صحنه‌های روایی آن مانند یک فیلم با صحنه‌های گوناگون است که مخاطب در ذهن خود به آن می‌رسد. «این رمزگان به بررسی کنش‌ها و رویدادهای متن می‌پردازد و به این سوال پاسخ می‌دهد که در متن چه اتفاقی می‌افتد؟» (بارت، ۱۳۵۶، ۴۲). جنبه شناختی رمزگان پروآیرتیکی از این جهت مهم است که به ما کمک می‌کند تا درک کنیم که خواننده چگونه جنبه روایی متن را تجربه می‌کند و چگونه معنا را از آن می‌سازد. این امر به ویژه در مورد متن‌های پیچیده و چندلایه که می‌توان آن‌ها را به روش‌های مختلف تفسیر کرد، حائز اهمیت است. از واکاوی این رمزگان در متن خطبه می‌توان به سه نوع توالی رسید که عبارتند از:

الف- توالی روایت‌ها

در متن خطبه، می‌توان عناصر مختلفی را یافت که به ساختار روایی متن و رمزگان کنشی آن کمک می‌کنند. ساختار روایی متن سه مرحله اصلی دارد که عبارتند از: ۱. متن در آغاز با دعوت خواننده به تقوا («فَاتَّقُوا اللَّهَ» ... (سیدررضی، ۶۴) ترجمه: «از خدا

پر هیزید...») و انجام اعمال نیک آغاز می‌شود. این امر، حس فوریت و ضرورت را در خواننده ایجاد می‌کند. ۲. در بخش میانه خطبه، متن با شرح عواقب غفلت و گناه («فَيَا أَهْمَاءَ حَسْرَةَ عَلَى كُلِّ ذِي غَفْلَةٍ أَنْ يَكُونَ عُمُرُهُ عَلَيْهِ حُجَّةً» (همان)، ترجمه: وای بر غفلت‌زده ای که عمرش بر ضد او گواهی دهد و روزگار او را به شقاوت و پستی کشاند). ادامه می‌یابد. گوینده با استفاده از تصاویر و استعاره‌ها، خطر غرق شدن در دنیا و فراموش کردن آخرت را به تصویر می‌کشد. ۳. در پایان خطبه، متن با عبارتی دعایی («نَسَأْلُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَنْ يَجْعَلَنَا وَإِيَّاكُمْ مِّنْ لَا تُبْطِئُهُ نِعْمَةً» (همان)، ترجمه: از خدا می‌خواهیم که ما و شما را برابر نعمت‌ها مغرور نسازد). به انتها می‌رسد.

با خوانش توالی معنایی در متن خطبه مورد پژوهش، می‌توان گفت: بی‌تقوایی، عاقبتی جز حسرت را به دنبال نخواهد داشت و غفلت و غرور از مهم‌ترین عوامل بی‌تقوایی و بدختی آدمی محسوب می‌شود.

ب- توالی کنش‌ها

متن خطبه، سرشار از رمزگان کنشی است که از طریق آن‌ها گوینده به مخاطبان خود امر و نهی می‌کند. این کنش‌ها، خواننده را به سمت فعالیت‌های مفید و مؤثر سوق می‌دهد. امام علی علیه السلام در فرازی از خطبه، مخاطب را با استفاده از ویژگی‌های نایایدار دنیا برای بددست آوردن پاداش‌های نایایدار آخرت تشویق می‌کند و می‌فرماید: «وَابْتَاغُوا مَا يَبْقَى لَكُمْ بِمَا يَرْزُولُ عَنْكُمْ» (سیدررضی، خطبه ۶۴)، ترجمه: «با چیزهای فانی‌شدنی دنیا آنچه که جاویدان می‌ماند را خریداری کنید». در این فراز خواننده به کنشی تشویق می‌شود که اثر این کنش، تبدیل دنیای گذرا به سرمایه‌ای همیشگی برای آخرت است. حاصل این کنش، تغییر ماهیت دنیوی به ماهیت معنوی در مخاطب است.

فهم حقیقت دنیا و درک این مفهوم که دنیا محل اقامت همیشگی نیست کنش دیگری است که هشدار و توبیخ را برای مخاطب به همراه دارد و در جمله «وَعَلِمُوا أَنَّ الدُّنْيَا لَيْسَتْ

لَهُمْ بِدَارٍ» (همانجا)، ترجمه: «و دانستند که دنیا خانه جاویدان نیست» بیان شده است. اثری که مخاطب در مواجهه با این کنش دریافت می‌کند، جایگزینی جهان باقی به جای دنیای فانی است تا خواننده امور و شیوه‌نات زندگی خود را بر اساس ارزش‌های پایدار بنا کند و از غفلت دنیا و تعلق بیش از حد به آن بیدار شود.

توالی این کنش‌ها با تأکید بر نزدیکی مرگ در عبارت «وَإِنَّ غَايَةَ تَقْصُّهَا الْحَظَّةُ وَتَهْدِمُهَا السَّاعَةُ» (همانجا)، ترجمه: «زندگی کوتاهی که گذشتن لحظه‌ها از آن می‌کارد و مرگ آن را نابود می‌کند» ادامه می‌یابد و خواننده با این تأکید به اهمیت فرصت‌های زندگی پی‌می‌برد و سعی می‌کند از آن‌ها به نحو مطلوب استفاده کند. گوینده با بیان پشیمانی و حسرت به دلیل عدم استفاده صحیح از فرصت‌های زندگی در دنیا، لحنی عاطفی به متن می‌دهد و مخاطب را به تفکر در مورد اعمال خود و استفاده درست از زمان باقیمانده عمرش وامی‌دارد.

در انتهای متن خطبه، توالی این کنش‌ها با عبارت «وَإِنْ قَادِمًا يَقْدُمُ بِالْفَوْزِ أَوِ الشَّقْوَةِ لَمُسْتَحِقٌ لِأَفْضَلِ الْعُدَّةِ» (همانجا)، ترجمه: «مسافری که سعادت یا شقاوت همراه می‌برد باید بهترین توشه را با خود بردارد» و آمادگی برای حسابرسی اعمال، پایان می‌یابد که در نتیجه این بیان به مخاطب یادآوری می‌کند که نتایج اعمال او به سرعت ظاهر خواهند شد و باید بهترین تدارکات را برای مواجهه با این نتایج فراهم کند.

ج- توالی رویدادها

ترتیب رویدادها در متن به گونه‌ای است که تنש و تعلیق را در خواننده ایجاد می‌کند. توالی رویدادهای متن خطبه بدین صورت است که: در ابتدا، ۱. متن، خواننده را به انجام اعمال نیک دعوت می‌کند («وَبَادِرُوا آجَالَكُمْ بِأَعْمَالِكُمْ» (همانجا)، ترجمه: و با اعمال نیکو به استقبال اجل بروید) و سپس، ۲. عواقب غفلت و گناه برایش شرح داده می‌شود («أَنْ يَكُونَ عُمُرُهُ عَلَيْهِ حُجَّةً وَأَنْ تُؤَدِّيَهُ أَيَامُهُ إِلَى الشَّقْوَةِ» (همانجا) ترجمه: عمرش بر ضد او گواهی دهد و روزگار او را به شقاوت و پستی کشاند). این امر، عامل مؤثری در ایجاد حس خطر و

اضطراب در خواننده است. در نهایت، ۳. متن با دعایی به درگاه خداوند به پایان می‌رسد («وَلَا تَحْلُّ بِهِ بَعْدَ الْمَوْتِ نَدَاءٌ وَلَا كَآبَةٌ» (همانجا)، ترجمه: و پس از فرا رسیدن مرگ دچار پشیمانی و اندوه نگرداند). که امید و آرامش را به خواننده انتقال می‌دهد.

همان‌طور که در موارد یادشده، مشهود است، همه این کنش‌ها مانند زنجیره‌ای از روایت در توالی منطقی با یکدیگر قرار گرفته‌اند و ذهن خواننده را در مواجهه با مسئله دنیا و آخرت به‌نوعی انسجام می‌رسانند. در واقع رمزگان پروآیرتیک در خطبه ۶۴ با سازماندهی کنش‌ها و اثرات آن‌ها، هم‌چون صحنه‌های متوالی یک فیلم، مخاطب را از نقطه‌ای به نقطه دیگر منتقل می‌کند و به آگاهی عمیق‌تری از معنای زندگی، مرگ و آمادگی برای آینده‌ای ابدی می‌رساند. هر مرحله از این سفر معنوی، مخاطب را به سمت رشد و تحول هدایت می‌کند و او را برای مواجهه با حقیقت‌های زندگی آماده می‌سازد.

رمزگان پروآیرتیکی نقش مهمی در ایجاد معنا و عمق‌بخشی در متن خطبه مورد پژوهش دارد و ابزاری قدرتمند برای درک چگونگی ساختار و سازماندهی متن است.

۴- نتایج مقاله

بررسی‌های صورت‌گرفته در واژگان خطبه مورد پژوهش، گویای این مساله است که: خطبه، ظرفیت رمزگان پنج‌گانه نظریه بارت را در راستای معناسازی و دلالت‌پردازی، داراست. این رمزگان، وجوده چندسویگی و چندگانگی متن را در راستای مجموعه‌ای از نظام‌های معنایی بیان می‌نماید. رمزگان هرمنوتیک یا معماهی خطبه، موضوع مرگ را که آغازگر یک زندگی دیگر است به عنوان معماهی اصلی متن مطرح می‌کند و در پی پاسخ‌گویی به چراها و معماهای فرعی در این عرصه پیش می‌رود. کارکرد حضور این رمزگان در متن خطبه، اندیشه پوچ‌گرایی را به طور کامل رد می‌کند و زندگی ابدی را از پس از رهگذر این زندگی دنیوی به مخاطب معرفی می‌کند تا او را به نشاطی پایدار برساند. حاصل بررسی رمزگان پروآیرتیکی یا کنشی متن، نشان از کنش آفرینشی با وجوده

فعل‌های کنشی و امری در سطح متن است که به کارگیری آن‌ها کنش تحریض و تشویق را در مخاطب فعال می‌کند. این کنش‌ها در فرهنگ دینی همان اعمال صالح هستند که با به فعالیت‌رساندن آن‌ها، فرهنگ عمومی در راستای هنجارهای اخلاقی در زیست‌بوم انسانی تقویت می‌شود. رمزگان ضمنی، نمادین و فرهنگی نیز چون زنجیره‌هایی در پی اهداف این دو رمزگان نقش‌آفرینی می‌کنند. مدلول رمزگان ضمنی که کارکردی برجسته و معناساز در متن خطبه دارد به تقویت نگاه برتر نسبت به حیات بشری می‌پردازد و برنامه‌ریزی جهت رسیدن به بهترین و عالی‌ترین نوع آن را مورد تأکید قرار می‌دهد. رمزگان‌های نمادین نیز با ارائه واحدهای تقابلی به نوعی برجستگی مفاهیم مورد توجه خطبه می‌پردازند. رمزگشایی این رمزگان به نمود تقابل دنیا و آخرت، زندگی و مرگ، غفلت و آگاهی، ایمان و کفر در راستای تعالیٰ زیستی می‌انجامد. عرصه این تقابل‌ها که دو حوزه دنیا و آخرت را با هم تلفیق می‌کند، رسیدن به آخرتی سعادتمند را با زیست مؤمنانه میسر می‌داند. رمزگان فرهنگی نیز به عنوان رمزگان کلان‌نگر خطبه، فلسفه زندگی را محور کارکرد خود قرار می‌دهد. معنویت‌گرایی از مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاقی مورد توجه رمزگان فرهنگی در زمان ایراد خطبه می‌باشد.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. آن، گر اهام، رولان بارت، ترجمه پیام بیدانجو، چاپ دوم، تهران، نشر مرکز، ۱۳۹۲ ش.
۳. ابن‌ابی‌الحیدد، عبدالحمید، تهذیب شرح نهج‌البلاغه، تصحیح عبدالهادی الشریفی، دارالحدیث للطباعة و النشر، ۱۴۲۶ق.
۴. ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم، لسان‌العرب، بیروت، دارصدار، ۲۰۱۶م.
۵. ابن‌هشام، جمال‌الدین، مغنى‌اللبيب عن كتب الأعراب، بیروت، دارالكتب العلمية، ۱۳۹۸ق.
۶. بارت، رولان، درجه صفر نویستندگی، ترجمه حسن مقدم (۱۳۸۰)، تهران، نشر نی، ۱۹۵۳م.
۷. همو، عناصر نشانه‌شناسی، ترجمه محمدامین جعفری (۱۳۸۳)، تهران، نشر آگاه، ۱۹۶۴م.
۸. البحرانی، میثم‌ابن‌علی، شرح نهج‌البلاغه، تهران، دفتر نشر الكتاب، ۱۳۷۹ش.
۹. پین، مایکل، بارت و فوکو و آنوسرس، ترجمه پیام بیدانجو، تهران، چاپ چهارم، مرکز، ۱۳۹۲ش.
۱۰. جوهری، ابونصر اسماعیل بن حماد، الصحاح (تاج‌اللغة و صحاح‌العربیة)، الطبعه الرابعة، بیروت، دارالعلم للملايين، ۱۴۰۷ق.
۱۱. راغب‌اصفهانی، ابوالقاسم‌الحسین، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالمعروف، ۱۴۱۲ق.
۱۲. ریسمن، جین؛ گرین، ویلفرد؛ مورگان، لی؛ ویلنگهم، جان، مبانی نقد ادبی، ترجمه فرزانه طاهری، نشر نیلوفر، ۱۴۰۰ش.
۱۳. سجودی، فروزان، نشانه‌های کاربردی، نشر علم، ۱۳۸۷ش.
۱۴. سیدررضی، محمدبن‌حسین، نهج‌البلاغه به تصحیح صبحی صالح، قم، داراللهجرة، بی‌تا.
۱۵. شیری، حمیدرضا، تحلیل نشانه معناشناختی تصویری، چاپ اول، نشر علم، ۱۳۹۳ش.
۱۶. صباحی بیدگلی، محمد، ساختار و تحول زبان فارسی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۰ش.
۱۷. طباطبایی، سیدمحمد‌حسین، تفسیر‌المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ش.
۱۸. کلینی، محمدبن‌یعقوب، اصول الکافی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران، کتاب‌فروشی علمیه اسلامیه، ۱۳۶۹ش.
۱۹. گرمس، آذریداس ژولین، نقشان معنا، ترجمه حمیدرضا شیری، چاپ اول، انتشارات نشر علم، ۱۳۸۹ش.
۲۰. گیرو، بی‌بر، نشانه‌شناسی، ترجمه محمد نبوی، چاپ اول، تهران، آگه، ۱۳۸۰ش.
۲۱. مصطفوی، حسن، التحقیق فی الكلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران، ۱۳۶۸ش.
۲۲. مکاریک، ایرناریما، دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، مهران مهاجر و محمد نبوی، نشر آگه، ۱۳۸۵ش.
۲۳. میرعبادی، سیدعلی، فرهنگ توصیفی نشانه‌شناسی، تهران، معرفت و زبان آموز، ۱۳۸۴ش.
24. Barthes, Roland. Writing Degree Zero. Editions du Seuil. 1953.
25. ----- Mythologies. Paris: Editions du Seuil. 1957 a.
26. ----- Structure and Function of Criticism. In Writing Degree Zero. New York: Hill and Wang, pp. 109-142. 1957 b.
27. Barthes, Roland. S/Z. Paris: Seuil. 1970.
28. ----- The Pleasure of the Text. New York: Hill and Wang. 1973.
29. ----- S/Z. Translated by Richard Miller. New York: Hill and Wang. 1974.
30. ----- Sad. Fourier. Loyola. Paris. 1980.
31. Chandler, Daniel. Semiotics for Beginners. Landon: Routledge. 1995.
32. Danesi, Marcel. Messages, Signs and Meanings. Toronto: Canadian Scholars Press In. 2004.